



زندگی سلام

ZENDEGI-SALAM

شماره زندگانه سلامت

دوشنبه ۱۸ دی ۱۳۹۶

۲۰ ربیع الثانی ۱۴۳۹

شماره ۱۹۷۲۷



شهر خالیتس ز عشاق بود کز طرفی

مردی از خویش برون آید و کاری بکند

کو کریمی که ز بزم طربش غمزده‌ای

جرعه‌ای درکشود و دفع خماری بکند

حافظ

غزل ۱۸۹



یاقتی الحاجات

ذکر روزوشنبه

صدمرتبه



و به یقین همه شمارا با اموری همچون

ترس، گرسنگی و کلاهش در مالها و جانها و میوه ها

آزمایش می کنیم و بشارت ده به صابران

بقمره ۱۵۵



گاردین- بابون های باغ وحشی برای فرار از سرما یکدیگر را در آغوش گرفته اند، آلمان



شین هوا- تمرینات رزمی شاگردان معبد شانولین در برف، چین



فرانس پرس- غذا دادن به مرغ دریایی در تنگه بسفر، ترکیه

دنیانه را به تصویر

- در محضر بزرگان

بیگاری تنبیه است

مرحوم حائری شیرازی درباره اهمیت دادن به کار در چشم فرزندان می فرماید:

«خدا رحمت کند مادرم را. یکی از راه های تربیت وی این بود که هر گاه از ما خلاقی می دید، دیگر کار به ما نمی داد. یعنی ظرف شستن و دوخت و دوز و مانند آن ها را از ما سلب می کرد و از این طریق کار را پیش ما ارزشمند می ساخت. امروزه بسیاری از ما دقیقاً کار را بالعکس می کنیم. یعنی وقتی بچه خلاقی کرد او را به کار وا می دارند یا اگر اذیت کرد، کار او را دو برابر می کنند. در نتیجه، چنین بچه ای کار را تنبیه تلقی می کند، در حالی که ما بیگاری را به عنوان تنبیه تلقی می کردیم.»

پایگاه نشر آثار آیت ا... حائری شیرازی

- پند نیکان



- داستانک

دنبال نقشه نگرد

کاسباروف معروف، در بازی شطرنج به یک فرد آماتور باخت. همه تعجب کردند و علت باخت را جویا شدند و او این گونه بیان کرد: «در بازی با او نمی‌دانستم که آماتور است. برای همین، با هر حرکت او دنبال نقشه‌ای که در سر داشت می‌گشتم. گاهی به خیال خود نقشه‌اش را خوانده و حرکت بعدی را پیش‌بینی می‌کردم، اما در کمال تعجب حرکت ساده دیگری می‌دیدم. تمرکز می‌کردم که شاید نقشه جدیدش را کشف کنم. آن‌قدر در پی حرکت‌های او بودم و دنباله‌رو مسیر او شدم که مهره‌های خودم را گم کردم. بعد که به سادی مات شدم فهمیدم حرکت‌های او از سر مهارت‌نداشتن بود و فقط مهره‌ها را حرکت می‌داد و من از لذت بازی غافل شدم چون به دنبال نقشه‌ای بودم که وجود نداشت. بازی را باختم اما درس بزرگ‌تری یاد گرفتم که تمام حرکت‌ها از سر حيله نیست. آن قدر فریب دیده‌ایم و نقشه کشیده‌ایم که صادقانه حرکت کردن را باور نداریم و به دنبال نقشه‌هایش می‌گردیم آن جاست که مسیر را گم می‌کنیم و می‌بازیم.»
عصر ایران

- سخن بزرگان

* اگر می‌خواهی خوشبخت باشی، جز آن که برایت مهیاست آرزو مکن.
* امید دارویی است که شفا نمی‌دهد ولی درد را تسکین می‌دهد.
* آن‌جا که از شجاعت کاری بر نمی‌آید، تفکر چاره ساز خواهد بود.
* اعتماد ثروتی است که اگر درست خرج نشود پایانش ورشکستگی است.
* به کسی که از ته دل نمی‌خندد اعتماد مکن.
* بومارشه * خوشبختی و بدبختی ایام پیری عصاره اعمال گذشته ماست.
* رفتار انسان از چهار منبع نیرو می‌گیرد: میل، عقل، قدرت و اراده.

بر گرفته از: «درس و پند روزگار»، اثر آرمین راد

- کار بکلماتور



- اندک صبر

دلتنگی...

صبح

صدای توست

در نوار دل‌تنگی؛

که خورشید پخشش می‌کند...!



- دور دنیا

رکورد بیشترین تعویض تیم در فوتبال



گینس ورلد رکورد– سیاستین آبرو، بازیکن ۴۰ ساله تیم ملی اروگوئه توانست رکورد بی نظیری را با تمام شدن سال ۲۰۱۷ در گینس ثبت کند. او رکورد بیشترین تعویض تیم در دوران بازی حرفه ای فوتبالش را ثبت کرد. این بازیکن برای کسب این رکورد در رقابت با زالاتان ابراهیموویچ، با ۲۶ بار تعویض تیم، برنده شد! این مدافع تیم ملی اروگوئه در تیم هایی چون سن لورنزو، دپورتیوو، گرمیو، استودیانس، پامپ، گروس آسول، آمریکانا، دورادوس، مونتری، سان لوییس، تایگز، ریورپلاته، بتیس، رئال سوسیداد، آریس، بونافوگو، فیگورنسه، روزاریو سنترال، آکاس، سول ده آمریکا و سانتاکلا بازی کرده است.

- دانستنی های جالب

*** پرندۀ فلامینگو با سرعتی حدود ۵۵ کیلومتر در ساعت پرواز و در یک شب حدود ۶۰۰ کیلومتر مسافت را طی می کند.**



*** وطن اصلی اسفناج ایران است و ۱۵۰۰ سال پیش، استفاده از آن در دنیا رایج شد.**



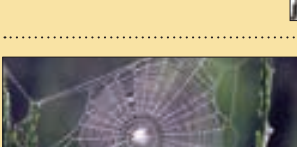
*** ما انسان ها به طور متوسط روزی ۱۷ هزار بار پلک می زنیم.**



*** ۵۰ هزار سال طول می کشد تا ظروف پلاستیکی رها شده در طبیعت، شروع به تجزیه شدن کنند.**



*** هر خانم در طول عمر خود به طور متوسط ۲/۷ کیلو گرم رژ لب مصرف می کند.**



*** هر عنکبوت تار ویژه خود را دارد و هیچ گاه تارهای آن ها به هم شبیه نیستند.**

منبع: برترین ها



- با خانمان

سندروم بازگشت به‌خانه

وقتی ازدواج می‌کنی سعی می‌کنی یک سری الگوی جدید را در زندگی‌ات پیاده کنی و همه تلاشت را می‌کنی که از سبک زندگی پدر و مادرت فاصله بگیری. بماند که آن تصویری که همه از پدر و مادرت دارند یک شیرین و فرهاد واقعی در فضای مجازی است، اما تو دم به تله نمی‌دهی و در نهایت هم این تو هستی که با الگوی جدیدت می‌روی

یعنی یک‌بار که همسرت جواب‌هایش را به دور دست‌ترین نقطه خانه پرتاب کرد و بجهات به‌جای نابه‌خورسوزای، با زدن کف دست به زیر بغلش اصوات ناموزون ایجاد کرد، قید الگوهای روان‌شناسی مدرن را می‌زنی، صدایت را توی سرت می‌اندازی و با صدای موتور جت فریاد می‌کنی سر آن‌ها. اما اغلب زود پشیمان می‌شویم و تصمیم می‌گیریم با انتشار یک عکس خوش آب و رنگ از آن‌ها در فضای مجازی از دلشان در بیاوریم. بعد هم به نشانه احترام نامشان را در زیر صفحه‌تگ می‌کنیم. کامنت‌ها را هم با احتیاط جواب می‌دهیم. مثل دیوید بکهام سوتی نمی‌دهیم که: «این سوتی‌شرت منه» و آبروی بچه را در فضای مجازی نمی‌بریم.

پای همان عکس از تکنیک‌های فروخوردن خشم می‌نوسیم و سوتی نمی‌دهیم که همین دو دقیقه‌پیشی قرار بود با جارو برقی بچه و پدرش را قورت بدیهم، چون همیشه در محدوده و قلمروی جارو زدن هستند.

رفتار دیگری که باعث می‌شود به همان پیش فرض زندگی پدرها و مادرها برگردیم، وجود نواخ در اطراف ماست، از نواخ اقتصادی تا فرهنگی و هنری. یعنی تا می‌خواهی با حقوق دو میلیونی خودت را وفق بدهی، می‌شنوی که شوهر فلانی با سه کلاس و نیم سواد، مشاور رسانه‌ای یک تیم اقتصادی قدرتمند است.

بعد هرچقدر هم که بخوای تا ده بشمری، تا بیست، تا هشتاد هزار و پونصد و هفتاد و سه، افاقه نمی‌کند. هرچقدر که بخوای به جمله «قضایوت نمی‌کنم» بیوگرافی صفحه‌ات پایبند باشی، این داغ را نمی‌توانی تحمل کنی

و مجبور می‌شوی تعمیرات میل را بهانه کنی و وقتی مقاومت همسرت را دیدی، دو ورژن بالاتر از مادرت هوار بکشی و همسرت به سبک پدرت با گفتن جملاتی چون «وا... ندارم، با... ندارم» در صدد دفاع از خودش بربیاد و شما در این چرخه زندگی به سبک پدرها و مادرها، تا آخر عمر گرفتار خواهید شد.

مهدیسامصری‌خواه

به‌نام خدا! شماره ۱ هستیم!

سلام. باز، چند پیامک داریم با جواب.
* ۷۷۸...۰۹۳۶۹۰: سلام خیلی عالی‌به این بخش روزنامه!
سیاس D:-
- ماه‌پاس ضریرد۲! یعنی «سیاس» ۹۷۷...۰۹۹۰: شیوه بازی چه طوره؟

- به‌نام‌خدا. محمدمهدی‌رنجبر هستم
طراح خفن استرپ. با اینکه شماره ۲۱۴ هستیم فرض می‌شه شماره ۱ هستیم. اصلاً از تو توضیح می‌دیم براتون. عیبی هم نداره: این سه تا تصویر هر کدومشون به‌کلمه‌ای معنادار اشاره دارن. اما فقط اگر با دیدگاه شوخی به ساختار کلمه نگاه کنین، ربطش با تصویر معلوم میشه. مثلاً توی خفن۲۱۳ برای نشون دادن کلمه «خبرنامه»، روی یک پاکت نامه نوشتیم «خ!» وقتی «خ» بر روی نامه نوشته شده باشه یعنی چی؟! یعنی «خ تر نامه» دیگه! برای راهنمایی، پاسخ باز زیر تصویر اومده ولی با حروف رمز! توضیح بیشترم توی وب سایت هست. فعلاً!



(-!؟-./



|{|÷/!



÷×!-*

- افسانه های نوین

مرد دیوانه نما و مرد عاقل نما

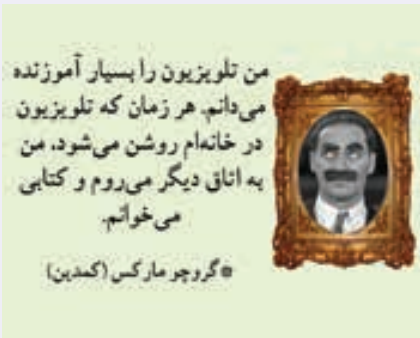
در زمان های قدیم روزی مردی به ظاهر دیوانه با سر و وضع ژولیده در کنار راهی نشسته بود. البته طبق حکایت ها و افسانه هایی که همیشه خوانده ایم، این جور مردها به ظاهر دیوانه بوده ولی از صد تا عاقل، باهوش ترند. اصلا معلوم نیست این افراد چرا به جای کار و کاسبی، همیشه کنار راه می نشسته اند تا دیگران از کنارشان بگذرند و متلک بارشان کنند و دستشان ببندازند. شاید شغل شان همین بوده و از نویسندگان حکایت‌ها پورسانت می گرفته اند؟

بگذریم، مردی ثروتمند که خود را بسیار حاضر جواب و بالکلاس و بانمک می دانست از کنار مرد ژولیده عبور کرد و طبق معمول خواست سر به سر مرد بینوا بگذارد. برای همین با تمسخر گفت: «چقدر لباس هایت کیف است!» مرد به ظاهر دیوانه محلش نگذاشت. برای همین مرد خود بانمک دیندار دوباره افزود: «چرا لباس هایت را نمی شویی؟» مرد دیوانه نما این بار با بی تفاوتی افزود: «دوباره کیفی می شود.» مرد بانمک این بار با خنده افزود: «خب دوباره بشوی!» آن یکی باز هم گفت: «باز هم کیفی می شود.» چند باری این سوال و جواب رد و بدل شد تا دست آخر مرد به ظاهر دیوانه گفت: «مگر من برای لباس شستن به دنیا امده ام که دایم لباس بشویم؟»

مرد مغرور که انگار منتظر همین جواب بود با فقهه افزود: «اگر استدلالت اینه، پس نباید غذا بخوری چون دوباره گرسنه می شوی، نباید بخوابی چون بیدار می شوی، نباید قضای حاجت کنی چون باز هم باید این کار را بکنی و کلا باید همین طور بیکار و بیعبار یک گوشه بشینی تا بمیری!» مرد دیوانه مانند پوزخندی زد و افزود: «پس فکر کردی چرا این جا نشسته‌ام؟!»

و این گونه بود که دلیل نشستن مرد دیوانه نما معلوم شد و هم مرد ثروتمند، هم ما و هم شما فهمیدیم سر کار بودیم و الکی فکر می کردیم عاقل است و به واقع دیوانه بوده است، با این طرز تفکرش!

- شوخی بزرگان



- ماوشما

* لطفا درباره تبلیغات افقی پشت دروازه فوتبال که عمودی تصور می شود گزارش بنویسید، ممنون از صفحه خونتان.

* من خراسان می خرم برای مطالب آقای مجنونپور.

* اگر هر روز در صفحه زندگی سلام چندتا لطیفه هم چاپ کنید سرالامون می کنه.
دنبال هوشمند، شیروان

* تو پاسخ مسابقه «این کیه» نوشتین سریال لیسانسه ها از شبکه نسیم بخش میشه. یک کم دقت کنید.

* داشتم تو اتویوس «زندگی سلام» می خوندم که یک نفر از پشت سر گفت: «میشه ببینم؟» منم اطاعت کردم. موقع پیاده شدن پرسیدم: کی روزنامه رو گرفت؟ گفتند ایستگاه قبل پیاده شد! به قول آق کمال «ایم از ای!»

* آق کمال؛ جناب عالی چه نسبتی با این کمال‌های زیر داری: کمال معرفت، کمال تشکر، کمال امتنان، کمال ادب، کمال بندگی، کمال سادگی، کمال احتیاج، کمال همنشین، کمال خوشبختی، کمال امنیت، کمال صمیمیت و...؟!

* آق کمال: با کمال تأسف و در کمال شرمندگی، هیچی!

* ریحانه قشنگم، دختر مهربونم، می دونم که چند روزه یواشکی داری برای تولد بابا زحمت می کنی. ۱۷ دی به جز تولدم، روزی هست که به قلب پاکت افتخار می کنم. ممنونم دختر بابا.

* مریم عزیزم و همسر مهربانم، اولین سالگرد ازدواج مون بر تو و قلب پر مهرت مبارک باشه.
همسرت علی

